



# ویژه کمیته فرهنگی

(۶)

## ضرورت کار فرهنگی در جهاد سازندگی

بسمه تعالی

مقدمه: در شماره قبل در ادامه بررسی عوامل رشد انسان در جامعه غربی و مقایسه آن در جامعه اسلامی به مسئله توکل، زهد، تسلیم و رضا، درک مشیت و قضاء و قدر الهی به عنوان چهار عامل رشد انسان پرداختیم و بیان کردیم که این عوامل وجودی نبوده و مستلزم تحصیل معارف و کسب مراحل هستند.

اینک در این شماره به ضرورت کار فرهنگی در جهاد سازندگی میپردازیم امید است که جهادگران فرهنگی با مطالعه دقیق این سلسله مقالات و نقد و بررسی آنها ما را در ایفای رسالت خطیرمان یاری نمایند.

اشاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

### حاکمیت روح فرهنگی:

۱- حاکمیت روح فرهنگی، برعلیه کارهای اجرایی و اینکه همه فعالیتها تحت یک پوشش ارزشی اسلامی و معنوی انجام گیرد همواره از بدو تشکیل جهاد تاکنون بعنوان یک اصل مسلم و غیرقابل تردید مورد توجه بوده است و همه سعی و تلاش جهادگران و مسئولین جهاد براین بوده است که بعد فرهنگی فعالیتهای اجرایی جهاد را در روستاها حیات بخشند از آغاز که جهاد شکل گرفت فلسفه وجودی و انگیزه تشکیل آن تداوم انقلاب اسلامی

درمرحله سازندگی و رساندن پیام انقلاب به روستاها بود و آنچه بیش از همه چیز در این زمینه مدنظر بود تحول و دگرگونی فرهنگی روستاهای کشور بود و کارهای عمرانی، کشاورزی، فنی، خدماتی و همه و همه بعنوان زمینه‌ای برای ایجاد این تحول قلمداد می‌گردیدند با توجه به این انگیزه‌ها و هدفگیریها و ماهیتی که جهاد برای کارهای خود قائل است ضرورت کار فرهنگی در جهاد بعنوان یک امر بدیهی و بسیار روشن تلقی

### کتابخانه های روستائی

که تنها مراکز تجمع فرهنگی در روستاها و کانون شکل گیری اندیشه ها و باروری استعداد های جوانان روستائی است از کار های کمیته فرهنگی جهاد است.

می‌گردد، زیرا اگر این کار انجام نگیرد به تدریج جهاد فلسفه وجودی خویش را از دست داده و دلیلی برای ماندن نخواهد داشت. مسئله‌ای هم که لازم است در تدوین اساسنامه جهاد بیش از همه چیز موردتوجه قرار گیرد همین ماهیت فرهنگی جهادسازندگی می‌باشد که چه مستقیماً و صریحاً و

چه بطور غیرمستقیم نباید برآن خدشه ای وارد آید. ما بعنوان کمیته فرهنگی بر خود فرض میدانیم که ابعاد گوناگون ضرورت کار فرهنگی در جهاد را تشریح و مرتباً آنرا گوشزد نموده و بدینوسیله بر اصالتهای اولیه جهاد پافشاری نمائید و امید است که برادران و خواهران فرهنگی نیز، در سراسر کشور با عمل خالصانه و فعالیت پیگیر و مجددانه خویش این ضرورت را بیش از پیش آشکار نموده و با بالا بردن کیفیت کارهای فرهنگی خود هرگونه شک و شبهه‌ای در این زمینه بی وجهه سازند.

### «انقلاب اسلامی معجزه قرن»

۲- انقلاب اسلامی ایران که بحق معجزه قرن و پدیده استثنائی دوران معاصر لقب گرفته است دارای ویژگیهای ذاتی منحصر بفردی است که آنرا از سایر تحولات اجتماعی و انقلابات جهانی متمایز می‌سازد. این انقلاب اگر چه یک حرکت فراگیر سیاسی اجتماعی اقتصادی می‌باشد ولی اصالتاً و ماهیتاً یک انقلاب فرهنگی است که با انسانیت، انسانها سروکار دارد: درست است که انقلاب اسلامی به حل مسائل اقتصادی و معضلات اجتماعی جامعه می‌پردازد و برای آنها طرحها و برنامه‌های مشخص و مبتنی براسلام دارد ولی همه اینها را بعنوان زمینه‌ای برای رشد معنوی انسانها و شکوفائی شخصیت و استعدادهای الهی آنها می‌داند و بعنوان هدف، راهائی انسان را از انواع قیدوبندهای اسارتبار مادی و وابستگیهای منطح دنیوی و رساندن وی به مقام خلافت خدا در زمین را در

سرلوحه اهداف برنامه های خود پیش رو دارد. بر همین اساس نهادهای انقلاب اسلامی نیز که در حقیقت شاخ و برگ و ثمره شجره طیبه انقلاب اسلامی هستند همین رنگ و بو را داشته و همگی ماهیت فرهنگ دارند. اگر سپاه شکل فعالیتش نظامی است و به ظاهر یک تشکیلات نظامی به نظر می آید ولی در اصل حراست و پاسداری از ارزشهای معنوی انقلاب را به عهده دارد و بر سلاخس فرهنگ اسلامی را حمل میکند که در ایشار و شهادت خودش آنرا می نمایاند. اگر جهاد سازندگی روستاها را بعهد می گیرد و شکل فعالیتش به ظاهر عمرانی و کشاورزی جلوه میکند در حقیقت احیای معنوی و فرهنگی روستاها را رسالت خویش می داند و خود را پیامبر پیام انقلاب به روستاها به حساب می آورد و با هر اجری که روی هم میگذارد بنای رفیع فرهنگ اسلامی را استوار ساخته و در هر دانه ای که می افشاند در حقیقت بذر ارزشها و مفاهیم عالی اسلامی را در دل و جان روستائیان کاشته است.

### «نظام و فرهنگ جهادی»

۳- همانگونه که فرهنگ اسلامی عامل شکل گیری و مایه قوام انقلاب اسلامی ما بوده و می باشد و اگر از انقلاب گرفته شود و یا احیاناً شدت ظهور آن در صحنه انقلاب کم رنگ گردد، خودبخود انقلاب مایه حیاتی خویش را از دست داده

امروز در خواهیم یافت. امروزه در نظامهای شرقی و غربی که اندیشه مادی و خصلت استکباری و یزگی عام آنان است، کار (چه کار اقتصادی، چه سیاسی و نظامی...) به جای آنکه عامل رشد شخصیت و

محتوای اسلامی آن دارای یک مسمای واقعی و حقیقی است که از ضرورتها و ویژه گیهای انقلاب اسلامی سرچشمه گرفته است و آنچه که لازم است در تعیین محورهای قانونی برای کار جهاد مد نظر

## ✱ اگر جهاد بخواد در خط اصیل که تا کنون داشته است گام بردارد و کارهای اجرائی را با ارزشهای معنوی در هم آمیخته و سازندگی مادی روستاها را با احیای شخصیت فرهنگی روستائیان عجین گرداند باید همچنان روح فرهنگی حاکم بر آن حفظ و گسترش یابد.

شکوفائی گوهره وجودی انسان تلقی شده باشد بعنوان عاملی برای از خود بیگانگی هرچه بیشتر انسان عمل می کند و یک فرد در موقع کار و فعالیت خود بعنوان یک عامل بی اراده و یک مهره مکانیکی و موجودی تک بعدی در خواهد آمد که هرچه بیشتر کار می کند کمتر به شخصیت و هویت اصیل و جامعی می رسد.

تشکیلات اداری و سازمانهای اقتصادی... هم در دنیای امروز مانند ماشینهای عظیمی هستند که انسانها در فضای آن تنها نقش یک مهره جامد و بی روح را دارند و در این میان تشکیلات جهاد و

قرار گیرد همین است که احیاناً بر آن مسمای اصیل خلی وارد نگردد. اگر جهاد بخواد این خصوصیات و ویژگیها را حفظ کند که باید کلیه ارزشها و قدسات های حاکم بر جهاد از آنها جوشیده و در فضای این نهاد الهی جاری گشته و در سیمای جهادگران موج یزند. اگر جهاد بخواد در همین خط اصیل که تا کنون داشته است گام بردارد و کارهای اجرائی را با ارزشهای معنوی در هم آمیخته و سازندگی مادی روستاها را با احیای شخصیت فرهنگی روستائیان عجین گرداند باید همچنان روح فرهنگی حاکم بر آن حفظ و گسترش یافته و کمیته های فرهنگی آن نیز پیش از پیش و با کیفیت عالیتیر به فعالیتهای خود ادامه داده و در ایفای رسالت خویش کوشا باشند. می توان گفت کمیته فرهنگی تحت نظر روحانیت و در حقیقت «حجت» و «دلیل» جهاد بعنوان یک ارگان مقدس و جوشیده از دل انقلاب میباشد که اگر جهاد سازندگی از وجود این «حجت» خالی و محروم گردد به بیراهه کشانده خواهد شد و چیزی غیر از جهاد سازندگی خواهد بود. آنچه باید در مورد قانونگذاری برای حرکت جوشان انقلاب و تعیین چارچوبه قانون نهادهای انقلابی مورد توجه واقع گردد همین است که خاصیت حرکت آفرین و پویای و انقلابی بودن آنان سلب نگردد. جهاد سازندگی اگر کار فرهنگی نداشته باشد در حقیقت روح خود را از دست داده و به پیکره بی جانی تبدیل خواهد گشت و اگر کمیته فرهنگی از جهاد گرفته شود (به نظر ما چندان هم با گرفتن جهاد از انقلاب فرقی نمیکند) در بقیه در صفحه ۷۵

## ✱ کمیته فرهنگی تحت نظر روحانیت در حقیقت «حجت» و «دلیل» جهاد به عنوان یک ارگان مقدس و جوشیده از دل انقلاب می باشد که اگر جهاد سازندگی از وجود این حجت خالی و محروم گردد به بیراهه کشانده خواهد شد و چیزی غیر از جهاد سازندگی خواهد بود.

فرهنگ جهادی عار کردن نقطه پایانی می تواند باشد بر اینگونه سازمانها و اینگونه عارهای اجرائی بی روح که نه تنها نباید این تجربه بر بار را مخدوش ساخت بلکه لازم است آنرا هرچه پخته تر و کاملتر نموده و عالم امروز عرضه داشت خلاصه باید گفت که جهاد سازندگی روستاها تنها یک اسم و یک لفظ بی محتوی نیست بلکه از لحاظ جامعیت فعالیتها و

و به تدریج در نظام کفر جهانی بلعیده خواهد شد. دزندهای انقلابی نیز همینطور اگر خاصیت فرهنگی بودن آنان سلب گردد فلسفه وجودی خویش را از دست داده و بی نقش می گردند. اگر جهاد سازندگی و نظام جهادی و فرهنگ جهادی کار کردن بعنوان یک تجربه جدید از انقلاب خود تأمل کنیم آنرا بصورت ازمغانی گرانبها برای دنیای

## ضرورت کار...

انصورت کار مایه حیاتی و منبع جوشش و حرکت آفرین را از این ارگان مقدس گرفته شده و آنرا به اسم بی‌مسمانی تبدیل خواهد کرد. با توجه به همه مطالب فوق مهمترین ضرورت در مورد کار فرهنگی جهاد را حفظ هویت اسلامی و احیای فرهنگی و انقلابی این نهاد مقدس که جان سازنده انقلاب است می‌دانیم. از این نکته مهم که در گذریم، مسئله قابل توجه دیگر اینست که تحول و دگرگونی روستاهای کشور که نقطه اتکای انقلاب در تأمین استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی در مبارزه با استکبار جهانی می‌باشند تنها با کارهای عمرانی و خدماتی میسر نیست و چه بسا این خدمات به تنهایی نتایج منفی نیز بیار آورده خدمات عمرانی و رفاهی سطح توقع روستائی را بالا برده و روح طلب و خواستن را در او تشدید خواهد نمود، برق رسانی به روستاها سطح نیاز و مصرف را در روستاها افزایش داده و زندگی خود کفای آنان را مختل می‌سازد، بقیه خدمات دیگر نیز به همین ترتیب اگر همراه با توجه معنوی و تفهیم فرهنگی نباشند نتایج سونی در بر خواهند داشت که مغایر با روح استقلال طلبی در انقلاب ماست و نه تنها مشکلی از مشکلات روستائیان را حل نمی‌کند بلکه آنرا بصورت گره کوری در خواهد آورد که گشودنش چندان آسان هم نخواهد بود و عده‌ای از دست اندرکاران مسائل اجرایی کشور نیز که تنها این روی سکه را دیده‌اند و اثرات منفی خدمات عمرانی و رفاهی صرف را برای روستائیان متوجه شده‌اند کم‌کم این طرز تفکر غلط در ذهنشان جواره زده است که اصلاً پرداختن به روستاها نباید بعنوان سیاست اصلی دولت قلمداد گردد درحالی که ما همه چنان بنا بر رهنمودهای امام امت و حضرت آیت الله العظمی منتظری معتقدیم که باید رفع استضعاف و فقر و محرومیت از روستاهای کشور در صدر برنامه‌ها و اهداف دولت و همه ارگانه‌های اجرایی کشور قرار داشته باشد ولی آنچه که بسیار لازم و ضروری است اینکه در این زمینه، حتماً، حتماً کار فرهنگی بعنوان پایه و اساس، کارهای دیگر قرار گیرد و به همین دلیل است که بر ضرورت کار فرهنگی جهاد در روستاها تاکید میکنیم، گذشته از اینکه بر اساس اعتقادانمان تحول فرهنگی را اصل می‌دانیم واقعیت هم همین است که اگر بخواهیم روستاهای کشور را از لحاظ اقتصادی (کشاورزی، صنایع دستی و...) فعال و آباد نموده و روابط اجتماعی، سیاسی حاکم بر

## \* اگر کار فرهنگی را از جهاد سلب کنیم در حقیقت روستائیان را از بسیاری از نعمت های فرهنگی محروم کرده‌ایم که این امر نه به صلاح جهاد است و نه روا به روستائی....

روستاها را دگرگون سازیم تغییر بنورها و ذهنیت روستائیان و ارزشهای بیجا مانده از دوران ستم شاهی در روستاها امری لازم و حتمی است که البته تا کنون جهاد سازندگی بوسیله کمیته‌های فرهنگی خود گامهای مهمی در این زمینه برداشته است و با آشن نمودن روستائیان با ارزشهای اسلامی و رساندن پیام حیاتبخش انقلاب به آنان روح تازه‌ای در کالبد روستاها دمیده است که لازم است از این پس نیز ادامه و گسترش پیدا کند.

### «فرهنگی جهاد و روستا»

امروزه اگر به دورافتاده‌ترین و محرومترین روستاهای کشور گذری افکنیم کمتر روستائی را مشاهده خواهیم کرد که شهیدی تقدیم انقلاب اسلامی نکرده باشد و بطور فعال در جنگ تحمیلی که مسئله اصلی انقلاب ما در شرایط کنونی است (چه در جبهه‌ها و چه پشت جبهه‌ها) حضور نداشته باشد امروزه اگر روستاهای کشور را در مجموع باوجود همه زمینه‌های موجود آنها، خالی از ضدانقلاب و روستائیان را آگاه و هشیار در مقابل توطئه‌ها می‌بینیم و حضور فعال آنان را در صحنه‌های سیاسی و نظامی سرنوشت ساز انقلاب، مشاهده می‌کنیم همه به برکت انقلاب اسلامی و کارهای فرهنگی جهادسازندگی و زمینه‌سازی‌های فرهنگی این ارگان است که اینچنین روستا و روستائی را با انقلاب اسلامی بودن ناگسستگی داده است.

اگر حضور همه جایه روستائیان را در صحنه‌های اصلی انقلاب امری لازم و ضروری می‌دانیم این مهم به وسیله ارگانی که تنها کارهای

اجرایی و خدماتی انجام دهد امکان‌پذیر است و ضرورت کار فرهنگی به موازات فعالیت‌های دیگر امری بدیهی است اگر جهاد کار فرهنگی در روستاها نداشته باشد نتیجه‌اش این خواهد شد که مثلاً در روستا حمام میسازد ولی روستائیان بجای استفاده بهداشتی از آن، گاو و گوسفند، خود را در آن جی داده و آنرا تبدیل به طوبله می‌گردانند و یا در روستا شورا و انجمن اسلامی تشکیل می‌دهد ولی بجای آنکه شورا خدمتگزار مردم باشد خودجاگرین خان واریاب سابق و امتیازات ویژه‌ای برای خود در نظر می‌گیرد و احیاناً اگر ضداقلاب هم در منطقه باشد کارهای اجرایی جهاد را می‌تواند مورد استفاده قرار داده و زمینه تبلیغات مسموم خوش سزد و اثرات سوء دیگر...

حال پس از درک ضرورت کار فرهنگی در روستاها مسئله قابل توجه اینست که اگر این کار توسط جهاد که: اولاً یک ارگانی انقلابی است و ثانیاً زمینه اصلی کارش روستاهاست، انجام پذیرد و بسیار مؤثر از هر ارگان دیگری واقع خواهد گشت و گذشته از اینکه جهاد در این امر مهم پیشقدم هم بوده است واقعیت اینست که هیچ نهاد و سازمان دیگری در حال حاضر این توانائی را ندارد که با این وسعت و گستردگی در روستاهای سراسر کشور کار فرهنگی انجام دهد.

امروزه جهاد سازندگی از طریق شبکه گسترده فرهنگی خویش در اکثریت قریب به اتفاق روستاهای کشور حضور فعال فرهنگی داشته و روستائیان را با الفبای اسلام و انقلاب اسلامی آشنا میگرداند و زمینه شکوفائی استعدادهای فرهنگی آنان را فراهم میسازد امروزه تنها شریبه سراسری روستائی که روستائیان را با ارزشها و مفاهیم اسلامی آشنا و آنها را در جریان مسائل انقلاب اسلامی بطور مبسوط قرار میدهد از طریق کمیته فرهنگی جهاد منتشر و در بین روستائیان توزیع می‌گردد. کتابخانه‌های روستائی که تنها مراکز تجمع فرهنگی در روستاها و کانون شکل‌گیری اندیشه‌ها و مباروری استعدادهای جوانان روستائی است از کارهای فرهنگی جهاد بوده است که با توجه به اهمیت آنان بدان پرداخته است امروزه عمدتاً از کانال فرهنگی جهاد است که روستائیان می‌توانند بزیان هنر احیای اسلامی آشنا شده و بسیاری از مفاهیم را از آن طریق دریافته و استعدادهای هنری